

طرز نوشتن مقالات تاریخی

در مدارس عالیہ

بقلم آقای لطفعلی صورتگر

شاید هیچ يك از تكالیف محصلین در مدارس عالیہ مانند نوشتن مقالات تاریخی فریبنده تر و اغوا کننده تر و درعین حال اشكال انگیز تر نباشد. دلیل آن واضح است زیرا مقالات تاریخی به محصلین يك شخصیت و هويت ممتازی میبخشد و می توانند اطلاعات محدودۀ خویش را برای بحث و اظهار نظر در مسائلی که مابۀ ابتدای قسمت عمدۀ از هیئت جامعه بشری بوده است بکار ببرند و چیزی بیش از این جوان راضی صاحب عقیدۀ مستقیم و مشرب اجتماعی و سیاسی نمیباشد. ذکر عقیده در عمل و نتایج جنگها و لشکر کشیها، طرز حکومت حکمرانان از منظر ماضیه. موجبات انحطاط اخلاقی امم و بطور کلی آنچه هیئت جامعه بشریت روی هم و بنام ملل و امم مسئول اجرای آن بوده اند محصلین را با اهمیت خویش در اجتماع آشنا ساخته و فکر قبول مسئولیت ملی و وظائف عمومی را در آنها تقویت مینماید. و این فکر يك نوع فریبندگی و دلزبانی مخصوص دارد که در سایر افکار علمی و ادبی نیست زیرا سایر افکار یا از همه حیث علمی و فنی است و یا روی هم از ذوقیات بشمار میرود و در هر دو حال جوانان را در بکار انداختن و عملی ساختن معلومات خویش قانع نمیتواند نمود.

نوشتن يك مقاله ادبی یا بحث و بیان عقیده در سبک تجریر و طرز فکر و درجۀ ذوق نویسندگان و شعرای پیشین هر چند مورد پسند جوانان است ولی از آنجا که مسئله مورد بحث ارزش فنی ندارد و طرف بحث نیز حاضر نیست تا بتوان ویرا بقایید و نظرات جدید و انکارناپذیر تا از شناسایی داد طبعاً نویسنده مقالات خاصه نویسندگان جوان را مجذوب نمیتواند نمود و از همه مهمتر آنکه این احساس در نویسندۀ تولید میشود که بالاخره مردگان که روزی دنیا با عظمت و احترام بدانها مینگریست يك نحو ادب و احتکداری را طالبند و نباید عظام رمیمه آنها را بخدمت طلبید!

از طرف دیگر مقالات علمی و فنی هر چند که زیبایی و کشش مخصوصی دارد ولی بمناسبت کیفیت و طبیعت خود بروز ذوق و سلیقه و اظهار نظرات مستثنی را اجازت نمیدهد و نتیجه آن میشود که محصلین با رغبت و اشتیاق نمیتوانند افکار آزاد خود را در آن وارد کنند و اظهار سلیقه نمایند و همین تحدید ازادی عقیدۀ طبعاً علاقه مندان با اینگونه مواد را محدود میسازد.

برعکس تاریخ در آن واحد هم از فنون بشمار است و هم مقام و مرتبه علم را پیدا کرده است بدین معنی که مباحث آن هم اظهار سلیقه و ذوق را اجازت میدهد و هم میتواند هادی و راهنمای سیاست امم واقع شده تجربیات قرون و اعصار را پایه و ملاک آزمایش های نوین قرار دهد و برای محصل جوان چیزی از این دلپذیر تر نیست که در جریان حیات امر و زین دنیا وارد شده عقیده بدیع و تازه بدهد. بقول یکی از رؤسای جمهوری امریکه کدام شکل خلود و بقای جاودان از این بالاتر که توانسته باشیم چیزی بنسخیره بزرگ حقایق و قوانین اجتماعی اضافه نموده بدانیم که آن گوهر جدید هیچ وقت از میان رفتنی و فنا پذیر نیست.

سئوالات تاریخی که محصلین تاریخ مدارس عالییه در آنها تمرین نموده مقالانی که هیچ وقت ارسه هزار کلمه کمتر نیست در باب آن مینویسند عادة بطوری طرح میشود که ذوق و قوه ابداع و ابتکار محصلین را از همان بدایت امر تحریک نماید . برای خاطر این امر در سئوالات هیچ وقت تقاضای شرح و تفصیل وقایع گذشته نیست و سعی بلیغ بعمل می آید که طرح سئوال طوری باشد که بخودی خود يك باب نوین برای محصل باز نموده افکار او را برای پیدا کردن جواب مستقل و جدید آزاد بگذارد . فرض کنیم میخواهند محصلین را در قسمت تاریخ ناپلئون و نتایج جنگهای اسپانیا آزمایش کنند . این سئوال را میتوان بچندین وجه طرح نمود :-

- ۱ - لشکر کشتی های ناپلیون با اسپانیا و عواقب آنرا شرح دهید ؟
 - ۲ - علل عدم پیشرفت ناپلیون در اطریش و روسیه چه بود ؟
 - ۳ - ناپلیون می گوید : درد بیدردمان اسپانی را از یاد آورد . نظر خود را در این اب شرح دهید .
- سئوال اول طبعاً محصل را متوسل بحفاظه نموده و ادارش میکند که تمام حقایق تاریخی را بطوریکه در کتب تاریخی مطالعه نموده برشته تحریر در آورد و طبعاً حواس وی متوجه این خواهد بود که در مقاله خویش واقعه ناگفته نگذاشته باشد . در این صورت مجال اظهار نظر نسبت به نتایج حاصله از این لشکر کشتی در اوضاع داخلی فرانسه و جنگ های دوره اخیر ناپلیون که منجر بواقعه واریلوشد نمیدهد زیرا هر چند کلمه عواقب باید عادة محصل را بنام این جریانات هوشیار ساخته باشد معذک از آنجا که بعنوان جمله اضافی و در پایان سئوال ذکر شده طبعاً تحت الشعاع قسمت اول قرار میگیرد و تمام توجه محصل قسمت اول مطوف شده سعی خواهد نمود قسمت عمده مقاله خویش را باوقایع جنگهای اسپانیا مشحون نموده بنام هوشمندی و ارائه ذوق سطری چند در خانمه بنام نتیجه در عواقب آن لشکر کشتی ها بتنگارد .
- سئوال دوم اظهار نظر فردی را بمحصل اجازه میدهد منتها چون طرح جمله طوری است که مسئله اصلی بصراحت و قطعیت در آن ذکر نشده انواع جوابهای مختلفه را که هر يك طوری با سئوال مربوط است ایجاب میکند . ممکن است محصل مقاله خود را به عدم مواظبت « رتبه » سردار معروف ناپلیون یا اشتباهات تعبیه الجشی قشون فرانسه قبل از رسیدن ناپلیون اختصاص بدهد . ممکن است موجبات جوی و جغرافیائی این اردو کشتی ها و سختی های سوق الجیشی زمستان را مورد توجه قرار دهد و باز ممکن است در باب خبط های ناپلیون در طرز تشکیل افراد قشون کبیر خود - که در این موقع از ملل متنوعه بودند - یا اشتباهات سیاسی او را دراز دست دادن متحدین مهم شرح بدهد و چیزی که توجه وی را مخصوصاً جلب نماید قضیه اسپانی باشد و هر يك از این طرق طبعاً در حدود خود جوابگوی سئوال پیچیده و بر معنی فوق خواهد بود .

سئوال سوم اینهمه طرق متنوعه را بر طرف ساخته بطور صریح و قطعی يك مسئله اساسی را طرح میکنند و کار محصل را یاك و شسته تعیین مینماید و در عین حال با يك آزادی غیر محدودی عطا میکند تا وقایع مختلفه تاریخی را که هر يك مورد و محلی مخصوص دارد برای ربط با واقعه اسپانی بیرون کش نماید و این کار خود يك حالت خلاق و ابداع خواهد داشت زیرا تکیه محصل در نوشتن انشاء خویش بوجه يك از کتب موجود نخواهد بود و ذوق و توفه متکره وی در نهایت آزادی مجال جولان پیدا خواهد کرد .

از طرف دیگر واضح است که ذکر جزئیات وقایع و تاریخ آن بطرح سؤال فوق مورد اهمیت واقع نشده است تا محصول را بابت محفظات خود نماید و هر چند که قطعا انکای بحقایق و ازاچه اسناد از محصول خواسته میشود و بیانات بدون مدرک وی مورد قبول نیست معذک تا آن حد که سؤال تاب شرح و بسط دارد محصول در ذکر باعدم ذکر وقایع مختار است .

وظیفه معلم بطرح سؤال و دقت در طرز ادای آن ختم می شود و از آن بیحد نوبت محصول است که قریحه و ذوق و اطلاعات خویش را بکار اندازد و مقاله که تمام نکات لازم را مورد توجه قرار داده و در عین حال دچار عیب اطناب و تحریرات خارج از موضوع نموده حاوی نظرات بدیهه باشد برشته تحریر در آورد .

نخستین مشکل مهم اینست که مسئله تاریخی را که می خواهد حل نموده و جواب بدهد پیدا کند . این مسئله طبعاً هیچگونه سابقه معینی نداشته و بیک روش جدید و بدیهی احتیاج خواهد داشت . علمای روان شناسی میگویند : مسئله عبارت از وضعیتی است که نمیتوان بوسیله هوش فطری یا اعتیادات سابقه برای آن بدون تعمق و اندیشه راه حل سریع پیدا کرد .

در سنه ۱۸۶۵ از یاستور که در آن وقت چهل و سه ساله بود تقاضا شد که در باب امراض موجوده در گرم ابریشم که در آن هنگام در فرانسه بشدت ظهور کرده بود تحقیقاتی بنماید . یاستور جواب داد که تحقیقات منوره برای وی مشکل است زیرا در عمر خود هیچوقت گرم ابریشم ندیده است . شورای عالی معارف بوی جواب داد : چه از این بهتر ، زیرا در اینصورت هیچگونه عقیده و نظری نخواهید داشت جز آنکه با تاجر به و مطالعه شخصی پیدا کنید .

همینکه قضیه مورد ابتلا معلوم شد باید طریق مبارزه با آن مشخص شود . عقول قویه در مقابل مسائل طبعاً بفکر یافتن وسائل میافتنند که بموجب آن بتوانند نتیجه قطعی مورد احتیاج خود را بدست بیاورند . در بعضی مواقع و برای کسانی که در حل مسائل مختلفه تمرین کرده اند نتایج و غایات مقصود خود وسائل لازمه را بدست میدهد .

آنها که از نعمت ابداع و ابتکار بهره مند هستند طبعاً از وسائل کهنه و طرق قدیمه راضی و قانع نبوده برای ایجاد وسائل و طرق جدید سعی خواهند نمود و در هر سه حال قدم دوم آنستکه وسیله مبارزه با آن بطور قطع و یقین معلوم شده و محل بطور تحقیق بداند که در عملیات و اقدامات خود چه روش و طریقه را بیروی خواهد نمود .

رویه که تا کنون مورد پسند متفکرین بزرگ دنیا بوده است طبعاً همان رویه علمی یا منطقی است . بدین معنی که لازم است قضایای مورد بحث و مطالب مندرجه طوری قالب عبارات پیدا کنند که تمام مقاله بصورت یک قضیه کامل منطقی بگیرد . هیچ عبارت با جمله و حتی هیچ کلمه نباید بروی صفحه بیاید مگر آنکه برای تشبیه و تقویت قضیه مورد بحث مورد اهمیت مخصوص باشد . دلایل بایستی ما را قدم به قدم بمقصد اصلی و اساسی راهبری کند و ما را بسنگلاخ و او بیراهه ها نکشاند . بایموجبی قافله فکر ما در منازل لازم نگاه ندارد .

دلایل و استشهادات و سایر تزیینات و پیرایش هائی که برای ذکر حقایق و نتایج بکار میبریم بسر بازان یک اردوی بزرگ شبیه هستند و همانطور که نخستین وظیفه یک سردار کار آگاه این است که سر بازان خود را بانظم و ترتیب و آراستگی کامل برای یک مقصود معین فرمان بدهد و صنوف مختلفه سوار و پیاده و قوای احتیاط را مخلوط و سرسری بر صفت جنگ وارد نکند همانطور

نیز لازم است نویسنده هم دلائل و استشهادات خویش را بحزم و اندیشه برای مغلوب ساختن قضیه مطروحه بکار برد و هیچ دلیل جدید اهمیت و موقعیت و قوت دلیل سابق را نکاسته و برعکس آن را تشدید نماید. تا نتیجه حاصله از آن دلائل واقعا حاصل نفوذ تمام جمل و مطالب مندرجه بوده و طباع ناقده را کاملاراضی ساخته باشد. غیر از ضروریات فوق بک مقاله خوب تاریخی نیازمند مراعات نکات ذیل خواهد بود:

اول - سبک تحریر مقالات تاریخی بایستی باسبک تحریر مقالات ادبی متفاوت باشد. در مسائل تاریخی حتی المقدور از صفات و قیود و استعارات که زیبا کننده آثار ادبی است باید پرهیز شود. بعضی از محصلین عادت کرده اند که بعضی از صفات را بحدسراف در مقالات خویش بکار میبرند. مثلا کلمات «بزرگ» «مهم» و «بد» و امثال آن بیش از هر چیز بیچشم میخورند و این اعتیاد از آن جهت است که محصل احساس میکند در استعمال آن کلمات دچار هیچگونه زحمت انتقاد نخواهد شد و همیشه میتوان محلی برای آن درست کرد. زیرا ذکر اینکه «انوشیروان پادشاه بزرگی است» و «امثال» قتل وزیر شمس الدین جوینی از وقایع مهمه دوره ایلخانیان است « قابل انتقاد نیست ولی میرساند که محصل از زیر بار مسئولیت شاه نهی کرده است.

همینطور استعارات ادبی بایستی بانهایت اقتصاد استعمال شود. مثلا بجای اینکه بنویسد «خسرو پریوزر شاهد فتح را در آغوش کشید» میتوان با جمله «خسرو پریوزر فاتح شد» اکتفا کرد و دلیل آنهم اینست که استعارات غالبا حقایق را از عریانی و صراحت میاندازد و مقالات تاریخی اساسا برای ذکر حقایق نوشته میشود. دوم - مسئله دقت و قطبیت در سنوات و سایر قضایای تاریخی بایستی کاملا رعایت شود. هر گاه محصل بطور قطع سند تولد یا وفات فلان شخص تاریخی یا یک جنگ بزرگ را نمیداند بایستی بدگر فرتیکه واقعه در آن پیش آمده اکتفا کند. مثلا بجای اینکه بنگارند « نادر شاه تقریبا در حدود سنه ۱۰۵۹ (مرکز نادر در سنه ۱۰۶۱ واقم شده) بقتل رسیده است باید نوشته شود فوت این پادشاه در اواسط قرن یازدهم (یا افلا در قرن یازدهم) هجری بوده است.»

و نیز ایراد جمله‌هایی که بیک قطبیت و صراحتی راهبر نباشد پسندیده نیست مثلا ذکر اینکه «تقریبا میتوان گفت علت العلل پیشرفت عمر ولایت وجود روح و وطن پرستی در ایران بوده است» چندان طباع حقیقت جوی را راضی نمیکند و زیبا تر آنست که بنویسیم «یکی از علل پیشرفت کار عمر ولایت طغیان احساسات و وطن پرستی ایرانیانست.»

سوم - باید مواظبت کرد که اگر از یکی از بزرگان تاریخ نقل قولی میشود آن قول درست و سالم و بدون نقص و تحریف ذکر شود و اگر چنین کاری برای محصل صورت پذیر نیست دلیلی تر آنست که بذکر خلاصه گفتار وی قناعت شود که هم حدت ذهن و حسن سلیقه نویسنده را میرساند و هم از نقل افوال غیر مستند پرهیز میشود.

چهارم - محصل باید قریحه خریش را در پیدا کردن موقع ختم مقاله بیش از همه وقت بکار بیاندازد زیرا ختام مقاله در حقیقت اصل مقاله و محل گرفتن نتیجه است و بنابراین لازم است ساده و صریح و قطعی و زیبا باشد. بعضی از محصلین عادت دارند که پس از ختم مقاله و اخذ نتیجه اگر مطلبی جدید بحاطر شان بیاید آنرا در پایان مقاله و پس از ختم قضیه منطقی که برای وصول بان تمام مقاله را صرف کرده اند می گنجاند در صورتیکه هیچ چیز بیش از این جمل اضافی بحسن مقطع مقاله زیان وارد نمی کند و سزاوارتر آنست که پس از اخذ نتیجه از اضافات و جمل معترضه صرف نظر نماییم.

یکی از بزرگترین اساتید انگلیس وقتی بشاگردان خود در این باب نصیحت میکرد گفت « برای نوشتن یک مقاله تاریخی محصل سه وظیفه را باید انجام دهد. اول باید فکر و تعمق نماید. دوم افکار خویش را برشته تحریر در بیاورد و سوم پس از ذکر افکار توقف کرده سکوت اختیار نماید.»